

دستور جلسه: شروع مباحث مسایل و مشکلات مراتع روستایی کشور

حاضرین: آقایان: دکتر ارزانی، دکتر خورشیدی، دکتر احمدی، مهندس نعمت ا... ی، مهندس صفرزاده، سرکار خانم دکتر رضوی، مهندس خادمی، مهندس فیاض، مهندس بهزاد، دکتر رزاقی، دکتر افتخاری، سرکار خانم مهندس اژدری، آقای سلحشور، آقای علمدار، آقای خلیلی (بهره بردار)، آقای آژیر (بهره بردار) و سرکار خانم باستانی (بهره بردار).

غایبین: مهندس مقیمی، مهندس یوسفی، مهندس یآوری، مهندس والی و دکتر باغستانی.

نظرات ارائه شده در جلسه:

- میزان تخریب مراتع روستایی بیشتر از مراتع عشایری می باشد و اغلب دامداران روستایی در تمام سال در مرتع حضور دارند. بیشتر دامداران روستایی علاوه بر دامداری به فعالیت کشاورزی هم مشغولند. از اینرو تلفیق نظام دامداری و کشاورزی به عنوان ایده مهم در این مناطق مطرح می گردد. نباید در روستا این دو نظام جدا از هم دیده شوند.

- تخریب مراتع عشایر توسط روستائیان به ویژه در زمانی که عشایر حضور ندارند از معضلات و درگیریهایی اصلی بین عشایر و روستائیان است. باید این معضل را به گونه ای مدیریت کرده و حل نمود.

- با توجه به مشکلات خاص مراتع روستایی کشور از جمله معضل اجاره مرتع، باید به فکر شیوه واگذاری جدیدی برای مراتع روستایی باشیم. در مراتع اجاره ای افراد بهره بردار تا حد امکان از موجودی مراتع استفاده می کنند و چون پول برای آن پرداخت کرده اند به فکر استفاده حداکثر هستند. از سوی دیگر در این مراتع بهره برداران استفاده کنندگان مستقیم نمی باشند و مرتع را اجاره می دهند و به فکر پول اجاره بیشتر هستند نه مرتع.

- باید به دانش بومی دامداران و هویت خودمان بها دهیم و فقط متخصصین برای مرتع تصمیم گیری نکنند. مدیریت مراتع قبل از اصلاحات اراضی خوب بوده است. اما در حال حاضر آیا مدیریت مراتع ما در راستای توسعه پاسدار مراتع می باشد؟! کوچ نشینی نقش حیاتی در سیستم مدیریت پیشین داشته و نظام دامداری بر آن مبتنی بوده است.

- ۷۰ درصد محصولات دامی در ایران توسط روستائیان تولید می شود. لذا روستائیان نقش مهمی در تولید محصولات دامی و دامداری کشور دارند.

- باید وقتی روی مشکلات مراتع روستایی بحث می کنیم ابتدا یک تعریف قابل قبولی از روستا ارایه دهیم تا مرز مراتع روستایی با سایر مراتع مشخص گردد. از دید جامعه شناسی توسعه روستا جایی است که بافت غالب آن کشاورزی باشد (دامداری، زنبورداری، کرم ابریشم و ...).

- دولت با ملی کردن مراتع سیستم مدیریت قبلی را از بین برد و دست افراد دانا و توانمند را از اداره و مدیریت مرتع قطع کرد لذا ما برای مدیریت صحیح مراتع باید به سیستم قبلی برگردیم و آن را به روزرسانی، ساماندهی و پایش کنیم. نه اینکه اصرار بر ادامه سیستم فعلی که جواب هم نداده است، داشته باشیم. اگر در کل کشور هم نمی توان این کار را اجرا کرد حداقل در بخش یا منطقه ای به صورت پایلوت اجرا گردد و در صورت موفقیت، تعمیم داده شود.

- جامعه مرتعداری ایران باید بپذیرد که نمی توانیم به مدیریت گذشته برگردیم و باید در شرایط فعلی به نحوی مدیریت کنیم که شرایط جدید را بپذیریم و مرتعداری را به شکلی انجام دهیم که در جهت توسعه پایدار بوده و مراتع را حفظ کرده و آباد نیز نماید.

- در گذشته تعلق خاطری به مرتع بوده است که امروز نیست. شورهایی اسلامی روستا اغلب هیچ کمکی به اداره مرتع نکرده و بلکه گاهی در جهت عکس نیز حرکت کرده اند. مراتع کشور را باید بر اساس استعداد فعلی آنها مدیریت کرد.

- شورایی بودن مراتع روستایی از عوامل اصلی تخریب مراتع در روستاها می باشد (حتی در مراتع روستایی دارای طرح مرتعداری). سلیقه ای عمل کردن شورا، زد و بندها و ... از عوامل تخریب مراتع می باشند. در روستای لزور چرا به صورت چرخشی انجام می شود و وضعیت مراتع خوب است.

- ایتالیا، فرانسه و اسپانیا به سیستم کوچ و مدیریت قبلی برگشتند و آنرا اجرا می کنند. مدیریت قبلی بر اساس نظام خودآزمون و خطا بوده و بومی بوده و جواب نیز داده است. سیستم های بیگانه برای کشور ما قابل اجرا نیست و جواب نمی دهد.

- مراتع روستایی شاید قابل مدیریت بهتر و راحتتر باشند زیرا دارای شورا هستند. مسایل مراتع روستایی کمتر شناخته شده است. اگر روستاها و مسایل مربوط به آنها به خوبی شناخته شوند می توان با استفاده از شورای های اسلامی و دهیاری ها مسایل مربوط به مراتع روستایی را حل نمود. مالچ های رسی یک دانش بومی روستایی است که حدود ۴۰۰ سال پیش در یزد انجام میشده است. الان در کشور آمریکا برای تهیه همین مالچ رسی دستگاه نیز تهیه شده است. باید دانش بومی این مناطق در زمینه دامداری مورد تحقیق قرار گرفته و و با دانش نوین تطبیق داده شود. به اسم توسعه نباید پایداری را زیر پا گذاشت. باید روشهای جدید غیر بومی را بومی سازی کنیم. باید روی این روشها کار شود و آنها را تعدیل نمود به نحویکه برای شرایط کشور قابل اجرا باشند.

- مدیریت مراتع روستایی باید به روستاییان سپرده شود و سازمان جنگلها روی آن نظارت و پایش داشته باشد. باید به فکر افزایش درآمد و افزایش بهره وری در روستاها باشیم. این دو عامل بر بسیاری از عوامل دیگر در روستا تاثیر گذار هستند. لذا برای مطالعه مشکلات روستایی باید همه جوانب آن مورد مطالعه قرار گیرد و اگر یک یا دو جنبه آن مطالعه شود و مابقی رها شود، نتیجه ای نخواهد داشت. کیفیت زندگی روستایی و نظام بهره برداری دو چیز متفاوت و جدا است. گرچه برخی مسایل در روستاها (مانند تلفن همراه) پیشرفت کرده است اما نظام بهره برداری به سادگی تغییر نمی کند و نیاز به یک اهرم قوی دارد. ملی کردن مراتع نظام قبلی در روستاها را که مبتنی بر خوانین بود را بهم زد. نظامی که مراتع را خوب اداره می کرد و نظام جدید دولتی جایگزین آن شد. نظامی که توانایی اداره مراتع را نداشته و ندارد. از اینرو تا نظام جدید و قابل اعتمادی جایگزین نشود نباید نظام قبلی را از بین ببریم. سیستم اجاره خود یکی از شواهد بازگشت به نظام بهره برداری قبلی می باشد. لذا با مدیریت صحیح همین نظام اجاره می توان مدیریت بهتری در مراتع روستایی انجام داد. شوراها ی اسلامی یکی از مهمترین مسایل و مشکلات مرتعداری روستایی می باشند. باید همه یا تعدادی از مرتعداران عضو شورای اسلامی روستا باشند و در امر اجاره مراتع دخالت نمایند تا مراتع به افراد غیر بومی اجاره داده نشود. دامدارانی که در روستاها تعداد دام زیادی دارند قادر به ماندن در روستا در همه سال نیستند و اغلب مانند عشایر کوچ می کنند و برای خودشان ییلاق و قشلاق دارند. مرتعداری فعلی برای جوانان جذابیت ندارد. باید برای آنها به هر نحو ممکن مرتعداری را جذاب نمود. باید تهدیدها را در روستا تبدیل به فرصت کرد.

- باید راهکارهایی برای کاهش هزینه تولید محصولات دامی داشته باشیم تا تولید راحتتر انجام شود، دامداری اقتصادی تر شده و رفاه دامدار زیاد گردد. راهکارهایی برای این مهم وجود دارد که به قرار ذیل می باشند: ۱- صرفه جویی ناشی از مقیاس (به طور نمونه تجمیع گله های کوچک و تشکیل گله اقتصادی) ۲- صنعتی یا پیشرفته کردن دامداریها در روستاها ۳- اختصاصی کردن کارها به نحویکه هر فرد یک قسمت از کارهای دامداری را به طور تخصصی انجام دهد (به عنوان مثال پرواربندی یک کار تخصصی شود) ۴- افزایش کیفیت مراتع ۵- ارزیابی عملکرد مرتعداران. در این زمینه باید مرتعداران ارزیابی عملکرد شوند. باید برای مرتعداران سیستم تشویق و تنبیه به منظور افزایش انگیزه و ایجاد مسئولیت در آنها ایجاد نمود تا بدین وسیله ارزیابی عملکرد نیز بهتر اجرا شود. روی مباحث زیست محیطی و مرتع نظارت بسیار ضعیف و کم است. در حالیکه در سیستم بیمه و بانک نظارت قوی است. نباید منافع ملی به نفع منافع شخصی نابود شود.

- در روستاها حق واگذاری مراتع به دست شوراها می باشد و این یک مشکل اساسی است. زیرا شوراها در بسیاری از موارد مراتع را به افراد غیربومی اجاره می دهند و مراتع به شدت تخریب می شوند. حضور مداوم دام در مراتع مشکل دوم و اساسی مراتع روستایی می باشد. مشکل سوم تعدد بهره برداران و مشاعی بودن مراتع روستایی می باشد. مشکل چهارم عدم امکان کنترل دام در مراتع روستایی می باشد. مشکل پنجم پرونده های قضایی روستایی است که اغلب به نفع منابع طبیعی نمی باشد. دلیل این امر قدرت شورای اسلامی

روستا در قیاس با مردم ساده عشایری می باشد که آنها فاقد چنین شورایی هستند. عدم رفتن برخی از بزرگ دامداران به کوچ یکی دیگر از مشکلات مراتع روستایی می باشد. در روستاها مواردی مانند ترسیب کربن، تبدیل دامداریهای سبک به سنگین، خرید تضمینی محصولات دامهای صنعتی، کشت گیاهان دارویی، طبیعت گردی، پرورش زنبور عسل، پرورش ماهی و ... از کارهای مهمی است که می توان در مراتع روستایی انجام داد.

- مسایل دام و مرتع را نمی توان به شورای اسلامی روستا سپرد. شورا به فکر ایجاد درآمد برای خودش است و مراتع را به چند برابر ظرفیت اجاره می دهد. باید دامدار واقعی شناسایی شود و مراتع مورد بهره برداری دامداران بومی و واقعی قرار گیرند. و حتی در اجاره مراتع نیز در اولویت باشند. دامدار واقعی کسی است که علاوه بر تابستان در فصل زمستان هم دارای دام باشد. اگر دامدار از محل روستا باشد برای مراتع و حداقل محل سکونت خود دلسوزی می کند ولی دامدار غیر بومی این دلسوزی را ندارد. دامدار بومی چون می داند حیات خودش و دامش به مرتع وابسته است مرتع را به شدت تخریب نمی کند. اغلب مراتع را قطعه بندی کرده و مورد استفاده قرار می دهند. بذریزی گیاهان مرتعی نیز برای آنها مهم است زیرا این مساله به منزله استمرار تولید مرتع است.

- در روستاها روی پروانه های چرا هیچ نظارتی انجام نمی شود. مراتع روستایی سنج در طی چند دهه اخیر از یک مرتع خوب تبدیل به یک مرتع با پوشش بسیار کم و وضعیت ضعیف شده اند. مراتع به قرق و استراحت نیاز دارند اما متأسفانه این کار شدنی نیست. دولت باید از مراتع حمایت کند. باید برای دامداران کلاس آموزشی مسایل مرتعداری و دامداری برگزار گردد.

- ۳۶۲ هزار هکتار در استان آذربایجان غربی به مناطق آزاد واگذار شده است (تفویض اختیار شده است) و حتی پول علف چر آن نیز به مدیریت مناطق آزاد داده می شود. اما هیچ نظارتی روی مراتع آن قسمت ندارد.

- برخی روستاها دام ندارند و برخی دام مازاد دارند. شوراها مراتع را اجاره داده و پول آنرا برای خود بر می دارند و صرف مخارج روستا، حمام، مسجد و ... می کنند. برخی از روستاها خالی از سکنه هستند و فقط یک نفر مراتع روستا را اجاره می دهد و این مساله در چنین روستاهایی باعث تخریب بسیار شدید مراتع شده است. در برخی از روستاها پس چر دیم زارها اجاره داده می شود. دیدگاه گله داری و مرتعداری معیشتی می باشد نه اقتصادی. دام سبک از سوی وزارت کشاورزی حمایت نمی شود در حالیکه در بقیه بخش ها حمایت از سوی دولت صورت می گیرد.

- کد گذاری دامها یک راه حل خوب برای مدیریت مراتع روستایی می باشد. در نظام بهره برداری قدیم دامها نشان یا داغ داشتند و لذا در همه کشور صاحب هر دامی مشخص بود و انجام مواردی چون آمارگیری تعداد دام و دامدار و تشخیص دامدار ذیحق میسر بود. امروزه نیز می توانیم با صدور کارتهایی برای دامداران و برای دامها این مهم را به انجام برسانیم.

- در منطقه اشتهاارد به دلیل گرما و خشکی و کمبود علوفه نمی توان دام نگهداری کرد. از اینرو تعداد دام در منطقه از ۲۰ هزار راس به ۲ هزار راس رسیده است. دامداران تصورشان این است که زمینهای مرتعی را دولت به آنها می فروشد و به همین دلیل در منطقه به دامداری مشغول هستند والا دامداری در اشتهاارد توجیه اقتصادی ندارد. و متأسفانه مردم با خیال تصاحب زمین مشغول تخریب سرزمین هستند. لذا آموزش به دامداران و توجیه آنها می تواند مانع از تخریب مراتع در منطقه اشتهاارد شود. کمبود آب، خشکسالی و تغییر اقلیم باعث نابودی دامداری در منطقه اشتهاارد شده است.

- نمی توان در مورد مراتع روستایی با توجه به تنوع اقلیم، تفاوتهای فرهنگی، بنیه اقتصادی و ... نسخه واحدی برای مراتع روستایی طراحی کرد و بلکه باید در هر منطقه با توجه به تفاوتهای اساسی در زمینه های مهم (اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و ...) نسخه متفاوت باشد. ضمن اینکه همه مراتع روستایی شورایی نیست و دارای مراتع انفرادی و مشاعی نیز هستند که این دسته از مراتع مشکلات خاص خود را دارند و باید برای مشکلات آنها نیز چاره ای اندیشیده شود.

- انجمن های صنفی در برخی نقاط مانند البرز فعالیت نسبتاً خوبی در زمینه های تعادل دام و مرتع، ورود و خروج به موقع دام، کاهش واگذاری و اجاره مراتع به افراد غیر بومی و ... داشته اند. با این حال باید عملکرد انجمن های صنفی توسط افراد یا ارگانی مورد تجزیه و

تحلیل قرار گیرد. شوراهای اسلامی روستا نباید دولتی باشند. دولت نباید تا لایه‌های زیرین حضور داشته و دخالت کند. باید کار مردم را به مردم سپرد. دولت باید از انجمن‌های صنفی حمایت کند. انجمن‌های صنفی هم باید حامی مردم باشند نه ملعبه دست منابع طبیعی.

- برخی از اختلافات روستاییان و عشایر در مرزبندی مراتع زائیده هیات‌های ممیزی مرتع است. زیرا گاهی زمان ممیزی مرتعداران عشایری حضور ندارند اما مرتعدار روستایی حضور دارد و لذا مرزبندی به نفع روستاییان تمام می‌شود. البته ممیزی قابل اعتراض است. عشایری که در روستا دارای قرق بان هستند معمولاً مشکلات مرزبندی و یا چرای مراتع در هنگام عدم حضورشان را ندارند. توافق نامه معتبر و دارای امضا و اثر انگشت (قرارداد دوطرفه معتبر) می‌تواند در کاهش درگیری بین عشایر و روستاییان موثر باشد. باید روستاییان و عشایر خودشان مراتع را مدیریت کرده و در جهت پایداری حرکت کنند. در واقع باید مردم مدیریت کنند و سازمان جنگلها و مراتع وظیفه حاکمیتی و نظارتی خود را انجام دهد. بخش خصوصی نیز نباید از دولت انتظاری داشته باشد.

- بخشهایی از اقتصاد دچار چندگانگی مدیریتی کلان شده اند که کل بافت مدیریتی کلان کشور را به هم ریخته است. در بحث انگیزه هم دچار کاهش انگیزه شدیم. در اقتصاد یک اصل مهم وجود دارد و آن اینکه در هر فضای تصمیم گیری اگر نظام ارزشی آن فضا شناسایی نشود تصمیمات معمولاً محکوم به شکست است. لذا باید نظام ارزشی را در روستاها قبل از بررسی‌های دیگر ارزیابی کرد تا تصمیمات آتی شانس پیروزی بیشتری داشته باشند. زیرا با شناسایی این نظام حساسیت‌های جوامع محلی، محرک‌ها، انگیزش‌ها و ... را می‌شناسیم و می‌توانیم از آنها به نفع برنامه خودمان بهره‌گیری کنیم. و در نهایت مدل حل مساله ما روی این نظام ارزشی شناخته شده بنیان‌گذاری شود تا دچار پاسخ منفی و ضرر اقتصادی نشویم. عبور انسان از طبیعت به سمت توانایی ذهنی یا عبور از دست به سمت ذهن و مغز از شاخصه‌های یک جامعه در حال توسعه مداوم است. لذا باید در یک بستر انگیزشی شناسایی شده حرکت کرد تا به هدف رسید.

- جمع بندی

با توجه به اینکه ۷۰ محصولات دامی کشور در سیستم روستایی تولید می‌شود لذا این سیستم و مشکلات آن در کشور بسیار حائز اهمیت است. سطح تخریب در مراتع روستایی بیشتر از مراتع عشایری می‌باشد. از این رو نیاز به توجه بیشتری دارد. مابین عشایر و روستاییان درگیری‌هایی بر سر مرزبندی و استفاده از مراتع همجوار وجود دارد. از مهمترین مشکلات مراتع روستایی می‌توان به مواردی چون مدیریت نادرست برخی از شوراهای اسلامی در روستا، اجاره دادن مراتع به افراد غیر بومی، عدم آموزش روستاییان، تعدد بهره‌برداران، مشاعی بودن اغلب قریب به اتفاق مراتع روستایی، حضور مداوم دام در مراتع روستایی، اقتصادی نبودن گله‌های دام، عدم امکان کنترل دامهای روستاییان و عدم نظارت درست بر دام و مرتع آنها و پرونده‌های قضایی روستایی که اغلب به دلیل قدرت شورای اسلامی به نفع منابع طبیعی تمام نمی‌شود، اشاره کرد.

والسلام.